

# دوران پیشوایی ایرانی !

ایرانی برای نخستین بار، در تاریخ خود، پیشوا و مرجع دینی و علمی ملت‌های دیگر شد.

اگر تاریخ چهارهزارساله ایران پیش از اسلام را ورق بزنیم، درمی‌یابیم که ایرانی در طول تاریخ خود، گاهی موقعیت‌ها و پیروزی‌های درخشان نظامی و سیاسی بدست آورده است مثلاً دوران هخامنشیان که درحقیقت برای ایرانی دوره جهانگشایی است و دامنه فتوحات ایرانیان تا اقصی نقاط عالم کشیده شده بود، با این وصف، در تاریخ چهارهزارساله ایران، هرگز دیده نشده که ایرانی در دنیا به مقام مرجعیت و پیشوایی دینی و علمی و ادبی و هنری نائل گردد.

تاریخ‌نشان می‌دهد، ایرانی همیشه از فرهنگ و علوم دیگران استفاده می‌کرده و از خود فرهنگ غنی و چشمگیری نداشته است.

لیکن همینکه اسلام وارد ایران گردید، این ملت کهن خواب آلود را، بیدار ساخت و به‌کالبد وجودشان روح دمید بطوریکه ایرانی کاملاً عوض شد و در فرهنگ و هنر قدرت خلافت پیدا کرد و در فاصله دو قرن به اندازه‌ای در علم و صنعت و اختراع و فن، ترقی نمود که در تمام مدت چهارهزارسال پیش از اسلام، آنقدر پیشرفت نداشته است.

شما نمونه محسوس این مطلب را می‌توانید در همین موزه‌ی تهران ببینید،

موزه تهران دو طبقه است در طبقه پائین آثار صنعتی ایران ، از چهار هزار سال پیش از اسلام تا زمان اسلام ، و در طبقه بالا آثار صدر اسلام تاکنون بترتیب چیده شده است . در آثار پیش از اسلام که سیر می کنید ، می بینید مثلا کاسه های گلی یا کاردهای مفرغی در فاصله هزار سال یا دوهزار سال ، مختصری تغییر می کند ، و صنعتش کاملتر می شود ، اما بمجرد اینکه وارد دوره اسلامی می شوید ، می بینید بفاصله دو قرن یعنی فقط دوپست سال به اندازه ای در آثار صنعتی ترقی و تکامل پیدا شده که در تمام مدت چهار هزار سال پیش از اسلام آن اندازه ترقی و پیشرفت حاصل نگشته است .

اسلام دفعتا تحولی در بشر ایجاد کرده و با سرعت اورا در علم و عمل پیش رانده است ، چنانکه خود آثار علمی و صنعتی بشر که جلو چشم گذارده شده به این امر گواهی میدهد .

و این مدعا با مطالعه تاریخ ایران نیز روشنتر می گردد شما اگر تاریخ ایران باستان را از نظر فرهنگ و ذخائر و اندوخته های علمی و فرهنگی مورد دقت و مطالعه قرار دهید ، خواهید دید ، تمام آثار و مدارک و کتب و دفاتر و سالنامه هایی که در مدت چهار هزار سال در ایران نوشته شده بکهازم آثار و کتب و ذخائر علمی و فرهنگی دو قرن اول ایران اسلامی نمی شود ، در ایران باستان ، کتاب و آثار علمی بسیار کم و نادر است ، تعداد علماء و دانشمندان آن دوره از تعداد انگشتان تجاوز نمی کند ، ولی برعکس کتاب و آثاری که ایرانی در این دو قرن از خود به یادگار گذارده است ، بشمار است ، آمار علماء و دانشمندان این دو قرن هیچ قابل مقایسه با دانشمندان ایران باستان نمی باشد ، کارهای گوناگونی که دانشمندان مسلمان ایرانی در این دو قرن ، در رشته های مختلف علمی و نظری ، علم و فلسفه ، ادب و هنر ، در جهان کرده اند چیزی نیست که هرگز در تاریخ علم فراموش شود .

ولی از آنجائیکه ، در ایران اسلامی ، قرنها زبان علمی زبان عربی بود ، و ایرانی اکثر آثار اصیل فکری و فلسفی و علمی و ادبی خویش را به زبان عربی نوشته است ، در نتیجه شخصیت ایرانی در زبان دیگری بنام زبان عربی متجلی شده است ، پس موقعی که تاریخ علوم و ادبیات ایرانی را مطالعه می کنیم ، یا می نویسیم ، باید همه آنها را بحساب بیاوریم .

xxxxxx

اینکه در فرهنگ اسلامی عنصر ایرانی نقش مهمی داشته است ، مورخان نیز باتمام صراحت به آن اعتراف کرده‌اند

" ابن خلدون " در مقدمه مشهور تاریخ خود " تاریخ العبر " فصلی در این موضوع باز نموده که ملخص آن از اینقرار است پس از عنوان " فَصْلٌ فِي أَنَّ حَمَلَةَ الْعِلْمِ فِي الْإِسْلَامِ أَكْثَرُهُمُ الْعَجَمُ " می‌گوید:

" از شگفتیهایی که واقعیت دارد ، این است که علماء و دانشمندان ملت اسلام ، خواه در علوم شرعی و خواه در دانشهای عقلی ( بجز در موارد نادری ) عجم‌اند و اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث نژاد عرب‌اند ، از لحاظ تربیت عجمی هستند و مشایخ و استادان عجمی داشتند ، با اینکه مذهب و صاحب شریعت خود عرب است <sup>۱</sup>

هم‌اومی‌گوید: " سیبویه " که بعلم نحو اشتهار داشت و همچنین ابوعلی فارسی و زجاج \* و کسان دیگر تمام ایرانی بودند ، زبان عربی را نیک، آموخته برای آن قواعد و اصولی وضع کردند ، همچنین راویان حدیث اغلب ایرانی بودند علمای اصول‌تاما ایرانی بودند ، همچنین علمای کلام و اغلب علمای تفسیر ایرانی بودند ، هیچکس بحفظ علم و جمع و تدوین و تألیف مانند ایرانیان اهتمام نکرد .<sup>۲</sup>

" احمد امین مصری " گرچه این گفته ابن خلدون را اغراق آمیز می‌شمرد ، با این همه متذکر می‌شود که : " باتمام اینها شکی نیست که ایرانیها بر تألیف و تدوین توانا تر بودند ، بهمان علتی که ابن خلدون ذکر کرده است ، زیرا آنها از قدیم متمدن بوده ، خود و نیاکان آنها بتألیف و تصنیف علوم عادت داشتند ، چون اسلام را پذیرفتند زبان عربی آموختند ، تألیف آنها در زبان عربی آسان شد ، بنابراین جای شگفت نیست اگر بگوئیم ایرانیان در جمع و تدوین علوم مختلفه و آغاز تألیف در آن عصر سبقت داشته و بر همه مقدم بودند .

ابوحنیفه ، امام (یکی از مذاهب) مسلمین بود . حماد راویه معلقات هفتگانه و اشعار جاهلیت را جمع و روایت کرده بود ، بشاربن برد قاضی شعری متجدد بود . سیبویه امام نحو و بزرگترین مؤلفین و مصنفین آن علم بود ، کسائی یکی از علماء

۱- مقدمه ابن خلدون صفحه ۵۴۳ طبع بغداد

۲- همان مدرک ۵۴۴

بزرگ نحو و لغت و یکی از قراء سبعة بود ، فراء از بهترین علماء کوفه در نحو و لغت و ادب بود .

ابوعبیده معمر بن المثنی از بزرگترین علماء لغت و اخبار و تواریخ عرب و صاحب مبداء شعبیه بود . ابوالعناهیة شاعر و پیشوای پرهیزکاران بود ، ابن قتیبہ مسورخ و ادیب و نویسنده‌ی چندین کتاب مانند " معارف " و " عیون الاخبار " بود . تمام اینها و کسانی دیگر که نام آنها را نبرده‌ایم ایرانی و پارسی نژاد بودند که تربیت و تهذیب آنها اثر مهمی در عالم اسلام باقی گذاشته است<sup>۳</sup>

بعلاوه جمعی دیگر از پیشوایان مفسران که بحرم شیعه بودن ، نزد ابن خلدون و احمد امین معروف نبوده‌اند ، ایرانی‌اند که از آنان ابوبصیر اسدی و حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار اهوازی و محمد بن خالد و پسرش احمد بن محمد بن خالد برقی قمی و فضل بن شاذان نیشابوری و علی بن ابراهیم قمی و عیاشی سمرقندی را که در قرن دوم و سوم می‌زیسته‌اند می‌توان نام برد .<sup>۴</sup>

" ادوارد برون " می‌نویسد: " اگر از آنچه معمولا علوم عربی می‌گویند مانند تفسیر ، حدیث ، الهیات ، فلسفه ، طب ، علم اللغة ، تاریخ ، رجال و حتی صرف و نحو عربی کاری را که ایرانیان در این رشته‌ها انجام داده‌اند ، تفریق کنیم ، قسمت عمده و مفید این علوم از بین می‌رود<sup>۵</sup>

توضیحا یادآور می‌شود که اهم علوم اسلامی تفسیر و حدیث و فقه و کلام است و سایر علوم چون علم قرائت ، علم اصول الفقه ، فلسفه ، منطق ، نحو و صرف ، معانی و بیان ، تاریخ ، جغرافیا ، در درجه دوم اهمیت قرار دارند ، اتفاقا ایرانیان در تمام علوم اصلی و همچنین رشته‌های دیگر ، یابپیشگام و پیشوا بوده‌اند و یا اینکه سهم آنان بیش از سایر کشورهای اسلامی حتی خود عرب بوده است و این قولی است که جملگی برآیند .

در علم تفسیر علاوه بر جمعی از پیشوایان این دانش ، چون عطاء بن ابی سلمه خراسانی و ابوعلی فارسی ، جمع کثیری از مفسران بزرگ را می‌بینیم که از این سرزمین

۳- فجر الاسلام ، طبع مصر صفحه ۱۵۳-۱۵۲ - پرتو اسلام صفحه ۲۴۳  
 ۴- نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد شماره ۸-۹- صفحه ۱۷۱  
 ۵- بنقل سهم ایران در تمدن جهان صفحه ۵۰۱

برخاسته‌اند بلکه می‌توان ادعا کرد که بهترین کتب تفسیر بقلم ایرانیان نوشته شده است.

در علم حدیث، زمانی که حدیث در مجموعه‌هایی جمع‌آوری و تدوین گردید، ایرانیان سهمشان از دیگران و حتی خود عربها که اسلام در دیارشان پدید آمد، بیشتر بوده است چنانکه همه نویسندگان صحاح سته (بخاری، مسلم نیشابوری، ابن ماجه قزوینی، ابوداود سجستانی) و صاحب کتب اربعه شیعه (کلینی، رازی، ابن بابویه قمی و شیخ طوسی) همه ایرانی بوده‌اند.

و از متقدمان محدثین امامیه، یونس بن عبدالرحمن از اصحاب موسی بن جعفر (ع) و از موالیان خاندان آل یقطین و محمد بن خالد برقی قمی و پسرش احمد بن محمد صاحب کتاب محاسن و حسن بن سعید اهوازی و برادرش حسین و علی بن ابراهیم قمی و احمد بن محمد بن عیسی بن فضال از اصحاب حضرت رضا (ع) ایرانی الاصل هستند بقول بعضیها کافی است که بدانیم نام مشایخ حدیث حاکم نیشابوری که بیشتر در همان شهر (نیشابور) می‌زیسته‌اند بیش از سه صفحه از کتاب تاریخ نیشابور را اشغال نموده است.<sup>۶</sup>

همچنین بیشتر فقهاء اسلامی ایرانی بوده‌اند. از فقهای ایرانی سلیمان بن یسار (از فقهای سبعه مدینه) و لیت بن سعد اصفهانی متوفی ۱۷۵ صاحب مذهب فقهی ویژه‌ای که قبل از شافعی در مصر رواج داشته و حماد بن ابی سلیمان استاد ابوحنیفه که برده ابو موسی اشعری بود و ربیعة الرای فقیه معاصر ابوحنیفه و محمد بن حسن شاگرد ابوحنیفه و ابوسلیمان جوزجانی و عبدالله بن مبارک مروزی (متوفی ۱۸۱) شاگرد ابوحنیفه، در عصر خود مشهور بوده‌اند.<sup>۷</sup>

جالب توجه آنکه دوتن از ائمه اربعه اهل سنت (ابوحنیفه و احمد بن حنبل) اصلا ایرانی و از اهل مرو بوده‌اند.<sup>۸</sup>

همچنین از فقهای امامیه علی بن بابویه قمی و پسرش شیخ صدوق و محمد بن

۶- نشریه دانشکده الهیات مشهد شماره ۸-۹ صفحه ۱۷۳

۷- مراجعه شود به کتابهای فهرست ابن‌الندیم و دیگران

۸- هنگامی که مادر احمد بن حنبل از مرو خارج شد، احمد را هم در رحم داشت و در بغداد وضع حمل کرد. مراجعه شود به تاریخ بغداد.

حسن طوسی و ابن حمزه طوسی و سَلَّارِ دِیْلَمِی رَاکِه الْقَابِشَان حَاکِی از ایرانی بودنشان است باید نام برد .

در علم کلام نیز کافی است که بدانیم پیشوایانی که هم اکنون آراء آنان در صدر آراء کتب کلامی قرار گرفته است از قبیل " هشام بن حکم و هشام بن سالم جوزجانی ( که هر دو از اصحاب امام صادق (ع) بودند ) و فضل بن شاذان نیشابوری و فضل بن سهل نوبختی و حسن بن موسی نوبختی و عیاشی سمرقندی و شیخ طوسی و ابن قبه رازی و خواجه طوسی و آل نوبخت ، ابوالهذیل عَلاَف ، نَظَّام ، واصل بن عطاء و عمرو بن عبید کابلی ، بلخی ، اسکافی سمرقندی و ابن راوندی مروزی و کعبی بلخی ، حسن بصری و امثال اینها همه از موالی ایرانی نژاد بوده اند .

پس در این دو قرن استعداد علمی و فرهنگی مسلمانان ایرانی شکفته شد و در نتیجه توانستند برای خود افتخاراتی کسب نمایند و خود را علاوه بر جنبه علمی و فرهنگی ، از جنبه مذهبی و دینی نیز به مقام بلند قداست رساندند بطوریکه مورد احترام فوق العاده مذهبی و اعتقادی مسلمانان دیگر قرار گرفتند و هنوز هم در کتب اسلامی ، مخصوصا در کتب غیر ایرانی ، و غیر شیعی نام آنان در هاله ای از قداست قرار گرفته است ، و در تمام عالم اسلام نام آنان به احترام برده می شود .

بنابراین ، این دو قرن ، هم از نظر علمی و فرهنگی و هم از جنبه کسب احترام مذهبی و پیشوائی دینی ، برای ایرانیان قطعا بی نظیر است .

بقیه مرد پولادین  
و ثابت کرد که شیعه علی ، نه تنها بازبان ، بلکه با تمام وجود باید در راه این آرمان عظیم ، جهاد کند تا پیروز گردد یا در این راه جان دهد ( که این خود یک نوع پیروزی است )  
و هنگامی که غائله پایان یافت و آتش جنگ فرو نشست و طلحه و زبیر کشته شدند و عایشه دستگیر شد ، عمار مولایش را دید که با کمال بزرگواری و مردانگی عایشه را بخشید و از کیفر دادن او چشم پوشید . عمار موقع رامفتنم شمرد و روبه عایشه کرد و چنین گفت:

ای ام المومنین ! با این روشی که در پیش گرفتی از عهد و پیمانی که پیامبر با تو داشت خیلی فاصله گرفته ای .  
- تو ابویقظان عمار بیدار دلی ؟  
- آری منم عمار  
- بخدا سوگند از روزی که تو را شناختمام جز حق سخن نگفته ای  
- خدا را شکر که این اعتراف را در باره من بر زبان توجاری ساخت .<sup>۷</sup> ادامه دارد

۷- تاریخ طبری